■ من نه اینکه بر اساس تحلیل و قرائن و شواهد بگویم، بلکه بر اساس خبر قطعی می‌گویم که امروز آمریکا و اسرائیل در دانشگاه ما و در حوزه ما نیرو و سرباز دارند. قاطعانه هم اعلام کنم یکی از نهادهایی که بیشترین نفوذی را در خود دارد، همین نهادهای فرهنگی کشور است

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با آیت‌الله محسن اراکی، دبیر پیشین مجمع تقریب مذاهب اسلامی درباره ترویج گفتمان وحدت اسلامی

کارشکنی نفوذی‌ها

روایتی از کارشکنی دستگاه دیپلماسی در پیگیری بحث وحدت اسلامی

سیدامین علی‌دوست: دوازدهم ربیع‌الاول تا هفدهم این ماه در تقویم جمهوری اسلامی به نام «هفته وحدت» نامگذاری شده است؛ نامگذاری‌ای که هدف از آن شکل‌دهی یک امت واحده اسلامی در برابر جبهه استکبار جهانی و پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی است. یکی از نهادهایی که تحقق این هدف را به صورت خاص پیگیری می‌کند، مجمع تقریب مذاهب اسلامی است. برای مروری بر دستاوردها و آسیب‌شناسی ضعف‌های این مجمع به گفت‌وگو با آیت‌الله محسن اراکی، دبیر پیشین مجمع تقریب مذاهب اسلامی نشستیم. آیت‌الله اراکی علاوه بر سوابق علمی و حوزوی، سوابق اجرایی متعددی را در حوزه مسائل دینی بر عهده داشته است. او سال ۱۳۷۳ به عنوان نماینده مقام معظم رهبری در اروپا به انگلیس اعزام شد و پس از نزدیک به ۱۰ سال فعالیت در عرصه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و اجتماعی در اروپا، خردادماه سال ۸۳ بار دیگر به حوزه علمیه قم بازگشت و به تدریس دروس خارج فقه و اصول مشغول شد. وی پس از چند دوره فعالیت‌های تحقیقی و پژوهشی سال ۹۱ با حکم مقام معظم رهبری به سمت دبیرکلی مجمع تقریب مذاهب اسلامی منصوب شد و تا سال ۱۳۹۸ در این سمت مشغول فعالیت بود. آیت‌الله محسن اراکی در گفت‌وگوی تفصیلی خود با «وطن امروز»، مبتنی بر تجربه‌های چندین ساله خود در عرصه ترویج وحدت اسلامی، «نفوذ دشمن» را از مهم‌ترین موانع تحقق این آرمان اسلامی در جوامع مسلمان ارزیابی کرد که نیازمند اقدام متقابل فوری و همه‌جانبه دلسوزان امت اسلامی است.

***

■ اگر اجازه بدهید هم نگاهی داشته باشیم به دستاوردهای تقریبا ۴۰ ساله فعالیت در راستای تقریب مذاهب اسلامی و هم ضعف‌هایی که در این فرآیند وجود داشته و با نگاهی آسیب‌شناسانه به این موضوع بپردازیم.

اگر اجازه بدهید از نکات مثبت و دستاوردهای بزرگی که در این مسیر کسب‌شده، شروع کنیم. این نکته را هم مدنظر داشته باشید که دستاوردهای جمهوری اسلامی در این حیطه محدود به داخل کشور نبوده است و یک حوزه وسیع بین‌المللی را در بر می‌گیرد. شما نگاه کنید تا قبل از انقلاب اسلامی اصلا بین فرق و مذاهب اسلامی در داخل کشور هیچ ارتباط و گفت‌وگو و مراوده‌ای وجود نداشت. حتی می‌توان گفت اینها از وضعیت هم خبر نداشتند. یک جدایی و افتراقی بین مذاهب اسلامی در داخل کشور وجود داشت اما انقلاب اسلامی این وضع را به هم زد. بین مذاهب اسلامی در داخل کشور، گفت‌وگو و دیدار و نشست‌های دوجانبه شکل گرفت. در کنار این، برادران اهل سنت در مهم‌ترین نهادهای تصمیم‌گیری کشور حضور پیدا کردند. الان اقلیت‌های مذهبی و برادران سنی مذهب نه‌تنها در مجلس شورای اسلامی، بلکه در مجلس خبرگان نیز نماینده داشته و در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت دارند. این کار عظیمی بود که بعد از انقلاب اسلامی انجام شد و کاری به این عظمت در دیگر کشورهای دنیا وجود ندارد. این افتخار جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت دینی است که حقوق سایر مذاهب اسلامی را تا این حد به رسمیت شناخته است.

مساله دومی که در تبیین دستاوردهای تقریب باید به آن اشاره کرد این است که همین فرآیند گفت‌وگو و مراوده بین مذاهب اسلامی را در جهان اسلام نهادینه کردیم. این هم از افتخارات جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی توانست گفتمان تقریب مذاهب اسلامی را در سطح جهان اسلام ترویج و نهادینه کند، برای آن ساختار به وجود بیاورد و آن را توسعه دهد. اگر همان وضعیت پیش از انقلاب ادامه می‌یافت، اگر گفتمان وحدت به این شکل در سطح جهان اسلام رشد نمی‌کرد، امروز اکثریت جهان اسلام در برابر ایران ایستاده بودند و با ایران دشمنی می‌کردند اما نه تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه عکس آن رخ داد. امروز جمهوری اسلامی با اکثر کشورهای مسلمان رابطه نزدیک و همکاری دارد. این رابطه نزدیک و همکاری در سایه ترویج گفتمان وحدت به وجود آمده است.

نکته‌ای که در این میان می‌توان به صورت ویژه روی آن تاکید کرد، موضوع تشکیل جبهه مقاومت است. جبهه مقاومت، بالاترین و برترین جلوه وحدت اسلامی است. اینکه توانسته‌ایم جبهه‌ای را تشکیل دهیم که شیعه، سنی، دروزی، علوی، عراقی، سوری، یمنی و پاکستانی، همه و همه در آن نقش داشته باشند، چگونه محقق شده است؟ جز از طریق گفتمان وحدت؟ این دستاورد بزرگ جمهوری اسلامی بود که توانست در برابر جبهه استکبار که از همه ابزارها و قدرت‌های ظاهری در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی برخوردار است چنین جبهه مستحکم و مجاهدی را تشکیل دهد، آن هم در یکی از دشوارترین برهه‌های تاریخی که جبهه استکبار با همه توان علیه ما وارد جنگ شده است.

تشکیل جبهه مقاومت در سایه ترویج گفتمان وحدت کار ساده‌ای نبوده است. زمانی که بنده ریاست مجمع تقریب مذاهب اسلامی را برعهده داشتم، اقدام به تشکیل اتحاد علمای مقاومت کردیم؛ اتحادی که توانست قریب به هزار تن از علمای شیعه و سنی را حول محور گفتمان مقاومت دور هم جمع کند. این جمع عظیم همه با هم همدل و همزبان و همفکر شدند در یک جهت واحد؛ در جهت ایستادگی در برابر جبهه استکبار. اینها برکات مهم چند دهه فعالیت جمهوری اسلامی در راستای ترویج گفتمان وحدت اسلامی است که نباید از آنها چشم پوشید.

همین تلاش در راستای ترویج گفتمان وحدت اسلامی و نهادینه کردن آن در جهان اسلام بود که کار را به جایی رساند که «شیخ الازهر» در سخنرانی خود در اندونزی اعلام کرد شیعه و سنی ۲ بال امت اسلامی هستند و هر یک به دیگری نیازمندند و نباید به دنبال تکفیر هم باشند. همین تلاش‌هاست که سبب شده وقتی یک فرقه کوچکی شمشیر تکفیر علیه شیعیان بلند می‌کند، عالمان اهل تسنن در برابر آن ایستادگی می‌کنند.

در اینجا لازم می‌دانم از فعالیت‌های ۳ تن از بزرگان و چهره‌های تقریبی کشور که سال پیش بین ما بودند اما امسال از برکات وجود آنها محرومیم نام برم، یکی آیت‌الله تسخیری، دوم دکتر شیخ‌الاسلام و سومین نفر خانم دکتر طوبی کرمانی. این ۳ بزرگوار تلاش‌های بسیار زیاد و مهمی در راستای ترویج گفتمان وحدت اسلامی کردند. همین سال قبل که کنفرانس بزرگی در همین موضوع در ایران برگزار شد، این ۳ بزرگوار نقش بسیار پررنگی داشتند. همایش سال قبل یک مانور بزرگ و عظیم از وحدت امت اسلام بود که تاثیر زیادی هم گذاشت و عمق اثرگذاری آن از موضع‌گیری‌های دشمن نسبت به این کنفرانس مشهود بود. متاسفانه امسال به علت شیوع بیماری کرونا برگزاری حقیقی این کنفرانس لغو شد و قرار شد به شکل مجازی برگزار شود. امیدواریم هر چه زودتر این بیماری از بین برود و همه فعالیت‌های کشور از جمله نشست‌های علمی و از جمله همین گفت‌وگوهای تقریبی به شکل حقیقی و راستین خود برگزار شود.

بعد از شرح این دستاوردها برویم سراغ بحث آسیب‌شناسی. ببینید! در بحث وحدت اسلامی نباید از یاد ببریم که شکاف‌های ایجاد شده در جامعه اسلامی ریشه تاریخی عمیقی دارد. از زمانی که امیرالمومنین به خلافت رسید و شیوه حکمرانی عدالت‌محور ایشان منجر به مخالفت عده‌ای از چهره‌های سرشناس جامعه اسلامی شد، شما شاهد یک شکاف عظیم اجتماعی با ریشه‌های سیاسی در جامعه هستید. من ندیده‌ام هیچ‌یک از مذاهب اسلامی بحث خلافت امیرالمومنین را رد یا در آن تشکیک کنند. تمام مبانی به حکومت رسیدن امیرالمومنین از نگاه هر مذهبی، بحق و بجا بوده است، گذشته از اینکه شیعیان بر مبنای نص به این خلافت معتقدند. به هر حال با این وضع می‌بینیم که این خلافت حقه با مخالفت برخی صحابه و چهره‌های سرشناس جامعه آن روز مواجه شد. این مخالفت به درگیری‌های بزرگی میان مسلمانان انجامید که از آن زمان تاکنون، زخم‌های آن در جامعه اسلامی مانده است. اوج این اختلاف، نمودش در واقعه کربلاست. در واقع حادثه کربلا دیگر اوج اختلاف در جامعه اسلامی و اوج امتداد آن اختلاف‌های تاریخی بود. در واقعه عاشورا سران یک جریان سیاسی تصمیم گرفتند مهم‌ترین چهره‌های جریان مقابل را ریشه‌کن کنند و از ریشه آنها را از بین ببرند. خب! ببینید اختلافی با این پیشینه تاریخی، چه آثاری بر روح و روان و نگاه‌های هر دو طرف در طول تاریخ داشته است. در این بین ائمه اطهار سعی کردند در سال‌های بعد این زخم را ترمیم کنند و به نوعی رفتار کنند که شکاف‌ها را از بین برده و جامعه را دوباره به سوی اهل بیت سوق دهند. در واقع تلاش ائمه برای ترمیم این زخم، از این طریق بوده است که مردمی که به واسطه این اختلافات از اهل‌بیت دور افتاده بودند، دوباره به خانه اهل‌بیت بازگردند.

باید امام صادق را به نوعی برجسته‌ترین نماد و پایه‌گذار گفتمان وحدت و تقریب مذاهب اسلامی بنامیم. شما نگاه کنید در تاریخ ثبت شده است که چندین هزار شاگرد پای درس امام صادق می‌نشستند و از این جمعیت کثیر، شیعیان جمع محدودی را تشکیل می‌دادند. ببینید امام صادق علیه‌السلام با چه هنرمندی و چه مهارتی می‌تواند به گونه‌ای عمل کند که ۴هزار دانش‌پژوه سر درس ایشان بنشینند، آن هم دانش‌پژوهان و طلابی که اکثریت آنها شیعه نبوده‌اند. این هنرمندی و افتخار و شاهکار امام صادق است. بعد از ائمه اطهار، علمای بزرگ و سرشناس شیعه سعی کردند همین مسیر را ادامه دهند و فضای تقریب را در جامعه اسلامی ایجاد و تقویت کنند. من این را دوباره تاکید می‌کنم که جریان‌های افراطی در همه جریانات بزرگ مذاهب اسلامی وجود دارند. هنوز هم جریاناتی در جوامع اسلامی وجود دارند که گرایشات اموی داشته و همان کینه‌های صدر اسلامی را به شیعیان دارند. شیعیان هم به هر حال در جریان تاریخ اسلام زخم خورده‌اند و آسیب دیده‌اند، جریاناتی هم در شیعه هستند که از این زخم‌ها نمی‌توانند چشم بپوشند و نوعی خاص از مواجهه با این زخم‌های تاریخی باعث گسترش افراطی‌گری در جامعه اسلامی می‌شود. اینها مسائل بنیادین و مهمی در گفتمان وحدت اسلامی است که تحقق تمام عیار آن در جهان اسلام را با مشکل‌های بزرگی مواجه کرده است اما به هر حال و با همه این توصیفات، علمای دلسوز هر دو جریان همیشه تلاش کردند کینه‌های تاریخی امتداد پیدا نکند و همه مذاهب اسلامی بتوانند به یک همزیستی سالم در کنار هم برسند. در جریان تشیع، علمای بزرگ به تبعیت از امام صادق علیه‌السلام این فضا را پیگیری می‌کنند.

من از همین فرصت استفاده و اشاره‌ای کنم به بیانیه‌ای که علیه سیدکمال حیدری صادر کردم. خب! انتقادات زیادی به من کردند که چرا اینقدر تند نوشتی؟ چرا اینقدر از تعابیر تندی علیه سیدکمال حیدری استفاده کردی؟ من قبول می‌کنم این بیانیه تند بود اما معتقدم صدور چنین بیانیه‌ای بجا بود؛ چرا؟ به این علت که سیدکمال حیدری در اظهارنظری که کرده بود میراث تاریخی همه علمای شیعه را هدف گرفته بود. سیدکمال حیدری در مصاحبه با یک رسانه خارجی اعلام کرده بود هیچ عالمی در تشیع پیدا نمی‌کنید که حکم به کافر بودن همه مسلمین و اهل سنت نداده باشد ولو حکم به کفر باطنی. این یعنی همه علمای شیعه، مابقی مسلمین را کافر می‌دانند و لااقل حداقل کافر ظاهری هم ندانند، کافر باطنی می‌دانند! خب! این حرف واقعا گزافی بود. میراث بزرگ علمای اسلام را که جهت تقریب مذاهب کار و تلاش کرده‌اند نابود می‌کند. من انتقادم به سایر آقایان این است که اگر شما می‌گویید این بیانیه تند بود، چرا خود شما قبل از این یک بیانیه نرم‌تر صادر نکردید؟ من واقعا احساس تکلیف کردم. اگر دیگران پیش از این ورود کرده بودند، من ورود نمی‌کردم اما دیدم که به جمع زیادی از علمای اسلام اجحاف شده است. جناب سیدکمال حیدری چگونه با بی‌انصافی همه علمای شیعه را قائل به کافر بودن اهل سنت می‌داند در حالی که در همین زمان حال ما کسانی چون مقام معظم رهبری و آیت‌الله سیستانی را داریم که آن تعابیر بلند را درباره اهل سنت دارند. آیت‌الله سیستانی در یک اظهار نظری فرموده بودند به اهل سنت نگویید برادران ما، بگویید جان‌های ما. بگویید جان‌های ما اهل سنت. خب! چگونه با وجود تعبیری به این بزرگی و احترام و نگاهی به این زیبایی و وحدت‌گرایانه، کسی به خود اجازه می‌دهد در مصاحبه با یک رسانه خارجی اظهار کند همه علمای شیعه قائل به کفر سنی‌ها هستند؟ این چگونه ممکن است؟ مگر ما فتوای مقام معظم رهبری را نداریم که فرموده‌اند توهین به مقدسات اهل سنت حرام است و این شامل هر جمع علنی و غیرعلنی هم می‌شود. آن وقت با وجود این بزرگواران در دوران حاضر، گذشته از علمایی که در دوره‌های قبل پیگیر وحدت جامعه اسلامی بوده‌اند، اینکه کسی این حرف تفرقه‌افکنانه را بزند به نظر من ظلم بزرگی مرتکب شده و همین باعث شد من آن بیانیه را علیه ایشان صادر کنم.

با اطلاعاتی هم که دارم بیانیه‌ای که به زبان عربی صادر کردم، آتش فتنه این اظهارات را در جامعه‌های عربی خاموش کرد. ما وقتی دست به اقدامی می‌زنیم و اظهار نظری می‌کنیم، باید به تبعات آن هم توجه کنیم. من واقعا دیدم تبعات این حرف می‌تواند فتنه ایجاد کند. ما نباید اجازه دهیم دشمن، مستمسکی پیدا کند و بر آتش اختلافات فرقه‌ای بدمد. به هر حال من احساس تکلیف کردم و معتقدم این بیانیه بجا بود و توانست از آثار مخرب این اظهارنظر در بین امت اسلام جلوگیری کند.

از این موضوع که بگذریم، یکی دیگر از آسیب‌های موجود در بحث گفتمان وحدت، دخالت‌های بیگانه است. وقتی بحث از دخالت بیگانه می‌کنیم مساله فقط این نیست که دشمن کمک مالی کند، بلکه بحث مهم‌تر، مساله نفوذ است. من نه اینکه بر اساس تحلیل و قرائن و شواهد بگویم، بلکه بر اساس خبر قطعی می‌گویم که امروز آمریکا و اسرائیل در دانشگاه ما و در حوزه ما نیرو و سرباز دارند. قاطعانه هم اعلام کنم یکی از نهادهایی که بیشترین نفوذی را در خود دارد، همین نهادهای فرهنگی کشور است. ما اگر به هشدارهای قرآنی عمل می‌کردیم و هر کسی را وارد جبهه خودی نمی‌کردیم، اینگونه اتفاقاتی رخ نمی‌داد. جریان‌های نفوذی در ابتدای انقلاب منزوی شده بودند اما کم‌کم با روی کار آمدن برخی دولت‌ها، این جریاناتی که هم نفوذی دشمن بودند و هم از نظر فکری در برابر گفتمان انقلاب اسلامی بودند، دوباره پا گرفتند و برجسته شدند و دوباره نفوذ آنها در فضای فکری و فرهنگی کشور غلیظ شد. این از مسائل مهمی است که باید به آن توجه کنیم. امروز در حوزه، نفوذی‌های دشمن در حال فعالیت هستند و در لباس روحانیت مشغول به کارند. در دانشگاه که دیگر جای خود دارد. این جریان نفوذی در داخل کشور، یکی از مهم‌ترین موانع تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. من برای اینکه عمق جریان نفوذ در کشور را برای شما به وضوح نشان دهم، خاطره‌ای را تعریف می‌کنم که شما با دقت در این خاطره می‌توانید ببینید عمق و وسعت نفوذ دشمن در دستگاه‌های داخلی ما برای ایجاد مانع جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی چگونه است؟

چند سال قبل وقتی ریاست مجمع تقریب مذاهب اسلامی را برعهده داشتم، تصمیم گرفتیم کنفرانس بزرگی را حول محور گفتمان وحدت اسلامی در یکی از کشورهای عربی برگزار کنیم. یک کشور عربی مهم که اسم آن را نمی‌آورم اما لبنان، سوریه و عراق نبود، از کشورهای جبهه مقاومت نبود، یک کشور عربی مهم. تز ما این بود که کنفرانس‌های وحدت اسلامی را فقط در ایران برگزار نکنیم، بلکه آن را در سایر کشورهای جهان اسلام هم برگزار کنیم که یک تحرکی هم در سایر کشورها ایجاد شود. همه کارهای برگزاری این کنفرانس را خودمان می‌کردیم، هزینه‌های مالی، برنامه‌ریزی، همه این امور را خودمان انجام می‌دادیم اما این کنفرانس در یک کشور دیگر برگزار می‌شد و مشخص نبود پشت صحنه اجرایی این کنفرانس ما هستیم. خلاصه! نزدیک به یک سال برای برگزاری این کنفرانس تلاش کردیم. مدتی قبل از برگزاری این کنفرانس من دیداری با سفیر جمهوری اسلامی ایران در آن کشور عربی داشتم، با کمال تعجب دیدم تمایلی به برگزاری این کنفرانس ندارد. این مسائل گذشت تا اینکه من در یک کنفرانس پیرامون وحدت اسلامی در لبنان شرکت کردم و قرار بود فردای آن روز از بیروت به همان کشور عربی سفر کنم و در آن کنفرانس وحدت اسلامی شرکت کنم. روز قبل از پرواز به من خبر دادند یک نامه مهم و فوری از سفارت ایران در آن کشور عربی رسیده که باید سریعا آن را مطالعه کنم. نامه را خواندم دیدم سفیر جمهوری اسلامی ایران خطاب به من نوشته در این کنفرانس شرکت نکنید، چرا که همه کسانی که برای شرکت در این کنفرانس دعوت شده‌اند، تصمیم گرفته‌اند در این کنفرانس حاضر نشوند. رؤسای دانشگاه‌ها و اساتید و علمایی که دعوت شده‌اند در این کنفرانس شرکت نخواهند کرد و به همین دلیل شما هم به این کشور عربی سفر نکنید و در این کنفرانس حاضر نشوید. من خیلی تعجب کردم، با خودم می‌پرسیدم چرا این شخصیت‌ها تصمیم گرفته‌اند در این کنفرانس شرکت نکنند. به هر حال ما نزدیک به یک سال برای برگزاری این همایش و کنفرانس تلاش کرده بودیم، زحمت کشیده بودیم، هزینه کرده بودیم. در نهایت تصمیم گرفتم بلیتم را کنسل نکنم و به آن کشور عربی سفر کنم، گفتم حداقل می‌خواهم بیایم از نزدیک ببینم چه شده که این شخصیت‌ها تصمیم گرفته‌اند در این کنفرانس شرکت نکنند؟ به هر حال عازم آن کشور شدم. به محض ورود به فرودگاه آن کشور عربی، با استقبال گرم مسؤولان آن همایش مواجه شدم. از خود فرودگاه به استقبال من آمدند تا اینکه در محل کنفرانس حاضر شدم. در اوج ناباوری دیدم همه شخصیت‌هایی که سفیر گفته بود تصمیم گرفته‌اند شرکت نکنند، شرکت کرده‌اند. آن کنفرانس هم تبدیل به یک کنفرانس بزرگ و اثرگذار شد. این واقعا برای من سوال شد که این چه کاری بود که سفیر ما کرد؟ وقتی علت را جویا شدم به من گفت وحدت چیست؟ رها کنید این بحث وحدت را. ببینید! دشمن تا کجا نفوذ کرده است؟ تا آنجا نفوذ کرده که دستگاه دیپلماسی ما در برابر وحدت می‌ایستد. من به سفیر گفتم شما سفیر جمهوری اسلامی ایران هستی؟ پس نظرات امام و رهبری درباره وحدت کجا می‌رود؟ آیا اگر دشمن می‌خواست جلوی برگزاری این کنفرانس را بگیرد بهتر از این کاری که سفیر ما انجام داد می‌توانست انجام دهد؟

این آن خطر بزرگی است که مقام معظم رهبری بارها تاکید کرده‌اند و ما باید نسبت به آن هوشیار باشیم. نیروهای انقلابی باید یک سد محکم در برابر این نفوذ تشکیل دهند. باید نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی با تشکیل یک جبهه واحد علیه جریان نفوذ به میدان بیایند و آنها را منزوی کنند. این جریان نفوذ نباید احساس آزادی کند که می‌تواند در برابر همه آرمان‌ها و اصول فکری انقلاب اسلامی که مبتنی بر منظومه فکری حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری است، ایستادگی کند. در این بین نقش رسانه‌های انقلابی نیز بسیار ویژه است و باید به اتحاد و شکل‌گیری این جریان فکری و فرهنگی انقلابی در تقابل با جریان نفوذ کمک کنند.

■ حضرت آیت‌الله اراکی! ممنون از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. اگر در پایان گفت‌وگو نکته خاصی هست که مایلید به آن اشاره کنید، بفرمایید.

علاقه‌مندم در پایان اشاره‌ای داشته باشم به موضوع اهانت فرانسه به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام. ببینید! اقتدار هر مملکتی ناشی از اراده آن ملت است. اراده ملت‌ها هم ناشی از هویت آنهاست. این هویت احساس عزت به مردم یک کشور می‌دهد. همین موضوع در مساله یک جامعه ایمانی هم صدق می‌کند. یک جامعه ایمانی حول محور یک عنصر هویتی جمع می‌شود که آن عنصر هویتی، شخص اول آن جامعه ایمانی است. من درباره موضوع فلسفه اجتماع به صورت مفصل بحث کرده‌ام. ببینید! جهان اسلام و امت اسلامی یک عنصر هویتی محوری دارد و آن شخص پیامبر گرامی اسلام است. دشمن با اهانت به پیامبر اسلام، عنصر هسته‌ای و محور اصلی هویت اسلامی را نشانه گرفته است. آنان به دنبال این هستند با جسارت و اهانت به پیامبر اسلام، امت اسلامی را به سمت امضمحلال ببرند، چرا که وقتی یک امت و جامعه‌ای دچار اختلال هویتی شد و هویتش مورد هجمه و آسیب قرار گرفت، خود به خود در مسیر فروپاشی پیش خواهد رفت. این آن نقشه مهمی است که دشمن پیگیری می‌کند. بحث اهانت به پیامبر اسلام یک بحث موردی و فردی نیست، یک جریان فکری پشتش دارد. یک پشتوانه‌ای دارد و پشتوانه آن همین ایده است که با هدف قرار دادن عنصر محوری هویت اسلامی، امت اسلامی را نابود کنند اما این هدفی است که محقق نخواهد شد. واکنش مسلمانان نشان داد اجازه نمی‌دهند کسی هویت آنها را از بین ببرد. این آن چیزی است که جامعه اسلامی باید حفظش کند؛ تاکید بر هویت اسلامی. همه فعالیت‌های فرهنگی در کشورهای اسلامی باید مبتنی بر تقویت احساس هویت اسلامی باشد. امیدوارم این هدف در جامعه ما روز به روز تقویت شود. امیدوارم روز به روز دولت‌های ما به جای توجه و تکیه بر غرب، توجه و تکیه‌شان را ببرند بر هویت اسلامی. یک سیاست و اقتصاد درون‌زا داشته باشیم نه یک سیاست و اقتصاد برون‌گرا. ان‌شاءالله این هدف محقق شود.

بازخوانی

وحدت در سایه ولایت

امروز کسانی هستند که سلاح‌شان تکفیر است؛ ابایی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سم‌اند. خب! این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد. یکی او را تکفیر کند، یکی او را تفسیق کند.

بیانات رهبر حکیم انقلاب در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه (۱۳۹۰/۷/۲۰)

ما تمسک به ولایت علی‌بن‌ابیطالب (علیه‌السلام) - که نعمت بزرگ خداست - را محکم نگه می‌داریم اما با کسی که به این حبل متین تمسک نکرده است، دعوا هم نمی‌کنیم. این وظیفه جامعه تشیع است. آنچه دشمن می‌خواهد، این است که با هم اختلاف کنیم.

بیانات در دیدار مردم قم در روز عید سعید غدیر خم (۱۳۸۵/۱۰/۱۸)

امروز اختلافات را نباید زنده کرد؛ نباید برجسته کرد. نباید فرق اسلامی مقدسات یکدیگر را- که نقطه حساسیت‌زای هر فرقه‌ای همان بخش مقدساتش است- مورد اهانت قرار دهند.

دیدار اقشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیرخم (۱۳۸۶/۱۰/۰۸)

این عواملی که اختلاف‌افکنی می‌کنند، نه شیعه‌اند، نه سنی؛ نه به شیعه علاقه دارند، نه به تسنن؛ نه مقدسات شیعه را قبول دارند، نه مقدسات سنی را.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن و تشیع (۱۳۸۵/۱۰/۲۵)

بعضی‌ها خیال می‌کنند اگر بخواهند راجع به دوره خلفا تحلیل کنند، حتما باید با طعن به آنها همراه باشد؛ نه! طعن به خلفا در رادیو جایز نیست. اگر تاکنون این نکته را در جلسات قبل نگفته‌ام، الان عرض می‌کنم که طعن به خلفا در رادیو مطلقا جایز نیست؛ الان حرام شرعی است.

بیانات در دیدار اعضای گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰/۱۲/۱۳)

امروز دنیای اسلام دچار محنت‌های بزرگی است و راه‌حل آن محنت‌ها، اتحاد اسلامی است. وحدت، هم‌افزایی، کمک به یکدیگر، از اختلافات مذهبی و فکری عبور کردن. امروز نگاه دستگاه استکبار و استعمار به دنیای اسلام، این است که سعی می‌کنند دنیای اسلام را هر چه بیشتر از وحدت خود دور کنند.

بیانات در دیدار مسؤولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی (۱۳۹۵/۹/۲۵)

سر ملت‌ها را گرم کردند، مشغول کردند؛ شیعه را علیه سنی، سنی را علیه شیعه؛ یک عده را در این طرف، تندرو و فحاش و افراطی تربیت می‌کنند، با پول وادار می‌کنند [به این کارها]، یک عده را متقابلا از آن طرف تندرو و فحاش به‌وجود می‌آورند که اینها به جان هم بیفتند و هر کدام هم یک خیل عظیمی از مردم دنبال‌شانند.

بیانات در دیدار مسؤولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی (۱۳۹۴/۴/۲۷)

قبل از اینکه نظام اسلامی تشکیل شود، برادران ما، بزرگان نهضت، بزرگان مبارزه انقلابی در آن روز- که هنوز خبری از حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی نبود- در جهت وحدت شیعه و سنی تلاش می‌کردند. من خودم در بلوچستان تبعید بودم. از آن زمان تا حالا با علمای سنی حنفی شهرهای بلوچستان - ایرانشهر، چابهار، سراوان، زاهدان - با آنهایی که بحمدالله زنده هستند، رفیقیم، نزدیکیم، صمیمی هستیم. من آنجا تبعیدی بودم، دستگاه‌ها نمی‌خواستند بگذارند تلاشی از سوی ما انجام بگیرد اما در عین حال ما گفتیم بیایید کاری کنیم که یک نشانه‌ای از اتحاد شیعه و سنی را در این شهر نشان بدهیم که این مسأله هفته وحدت - ولادت نبی‌اکرم در دوازدهم ربیع‌الاول به روایت اهل سنت و در هفدهم ربیع‌الاول به روایت شیعه - آن روز به ذهن ما رسید و در ایرانشهر آن را عمل کردیم؛ یعنی از دوازدهم تا هفدهم جشن گرفتیم. این یک فکر عمیقی بوده است، مال امروز و دیروز نیست.

بیانات در اجتماع مردم پاوه (۱۳۹۰/۷/۲۵)

آنان قصد داشتند در سایه ایجاد هیجان در میان مسلمانان، اهداف خود را پیش ببرند اما شکست خوردند، زیرا قضیه تصاویر توهین‌آمیز به احساس نفرت دنیای اسلام از استکبار تبدیل و ماجرای سامرا نیز به وحدت شیعه و سنی در عراق و در بسیاری از نقاط اسلام منجر شد.

بیانات در دیدار وزیر کشور و استانداران (۱۳۸۴/۱۲/۸)

امروز بنده از گوشه و کنار عالم اطلاع دارم. همان دست‌های استعماری که در طول قرن‌های گذشته سعی می‌کردند بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند، امروز هم تلاش می‌کنند برای اینکه بین شیعیان و سنیان، کینه و برادرکشی و اختلاف به‌وجود آورند. شما مردم هوشمند باید مراقب باشید. شاید یک عده خیال کنند ایجاد اختلاف به نفع مذهب آنهاست، در حالی که اشتباه می‌کنند. هر کس دارای هر مذهبی است، به عقاید و ارزش‌های خود احترام می‌گذارد و این حق او است اما این احترام گذاشتن نباید با اهانت به ارزش‌های جمعیت دیگری همراه شود که در اعتقادات با آنها موارد اختلافی دارند.

بیانات در دیدار مردم زاهدان (۱۳۸۱/۱۲/۲)

تأکید روزافزون بر مسأله وحدت است. سال‌ها پیش از انقلاب که با بعضی برادران اهل سنت صحبت می‌کردم، به آنها می‌گفتم اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم، البته وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند، نه اینکه شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود. نه! مراد از وحدت این نیست، بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلا او هم به همین ترتیب عمل کند.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون حوزه‌های علمیه اهل سنت (۱۳۶۸/۱۰/۵)